

واژه‌مانثره

مهدی علایی

دانشجوی دکتری فرهنگ و زبانهای باستانی

زبان اوستایی یکی از زبان‌های دوران باستانی ایران است که به کار نوشته‌های دینی زرتشتی رفته است. در این زبان، اسم در هشت حالت صرفی و سه شمار صرف می‌شود و یکی از سه جنس مذکر، مؤنث یا خنثی را داراست. در اوستا، تعداد معدودی اسم دیده می‌شود که دو جنس دارند مانند: «دوشیزه»: *kainīn* (مذکر و مؤنث) و «شب»: *xšafn* (مؤنث و خنثی). از این قرار، این نوشته پیشنهادی است بر اینکه واژه *maθra* را نیز بتوان در شمار اسامی دوجنسی اوستا محسوب کرد.

واژه *maθra* در اوستا به معنای کلام، کلام مقدس و ایزد موکل بر آن است. این واژه از ریشه *man* به معنای اندیشیدن (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۱۲۱) و پسوند *-θra* تشکیل شده است. این پسوند عمدتاً اسامی خنثی و گاه مذکر می‌سازد. (جکسون، ۱۸۹۲: §791)

معادل این واژه در سنسکریت *māntra* (اسم مذکر) به ندرت خنثی است به معنای کلام، کلام مقدس، کتاب مقدس و دعا یا سرود نیایشی. (مونیر - ویلیامز، ۱۹۷۰: ۷۸۵ و ۷۸۶)

پسوند -tra در سنسکریت معادل پسوند -θra در اوستاست و در ساخت شمار زیادی اسم - عمدتاً خنثی - و تعداد کمی صفت به کار می‌رود. این اسامی اغلب اسم آلت محسوب می‌شوند؛ یعنی بیانگر وسیله انجام فعل‌اند. (ویتنی، ۱۹۷۳: §1185) در واژه‌نامه بارتلمه، جنس واژه مورد بحث مذکر است (بارتلمه، ۱۹۶۱: 1177، m̄θra-).

بحث درباره جنس این واژه را با ارائه صورت‌های صرفی آن پی می‌گیریم:
الف - صیغه‌هایی که تشخیص جنس مذکر در آنها قطعی است:

1. m̄θrō: نهادی مفرد

Ys. ۱۹, ۱۹; Yt. ۱۱, ۳; ۱۲, ۲; ۱۳, ۸۱; N. ۲; Vd. ۱۹, ۱۴; ۲۱, ۶; ۲۲,

۲-۶

2. m̄θrəm رای می‌مفرد

Ys. ۲, ۱۳; ۶, ۱۲; ۱۶, ۶; ۱۷, ۱۳; ۲۰, ۳; ۲۵, ۶; ۴۵, ۳; ۵۹, ۳۳; Vr. ۲,

۵; ۱۳, ۱; Sīr. ۲, ۲۹; Yt. ۴, ۴; ۱۳, ۹۵; ۱۴, ۴۶; Vd. ۴, ۴۳-۴۵; ۹, ۲

3. m̄θrasca: رای جمع

Ys. ۳۱, ۱۸

ب - صیغه‌هایی که صورت صرفی آنها بین جنس مذکر و خنثی مشترک است:

1. m̄θrahe: وابستگی مفرد

Ys. ۵, ۱۰; ۱, ۱۳; ۲, ۱۳; ۳, ۱۵; ۴, ۱۸; ۷, ۱۵; ۸, ۱; ۹, ۲۶; ۲۲, ۲۵; ۵۷,

۲۰; ۷۱, ۵; Vr. ۹, ۷; ۲۱, ۲۰; Sīr. ۱, ۲۹; Yt. ۱, ۳-۲۸; ۱۰, ۳۳; ۱۱, ۱۷; ۱۲,

۱; ۱۳, ۸۶; ۱۸, ۸

2. m̄θra: بای مفرد

Yt. ۱۳, ۱۴۶; ۱۸, ۸

3. m̄θranam: وابستگی جمع

Yt. ۳, ۵

4. m̄θrāis: بای جمع

Ys. ۴۴, ۱۴

ج - همان‌گونه که اشاره شد، صورت رای جمع این واژه m̄θrasca است که با

حذف *-ca* به **maθra* تبدیل می‌شود. اما در مواردی به صورت *maθrā* صرف می‌شود. *maθrā* اصالتاً صرف مؤنث است اما در اوستا، اسامی خنثی به‌ویژه در شمار جمع، اغلب به مانند اسامی مؤنث صرف می‌شود. (جکسون، ۱۸۹۲: §232)

لذا شاید از این موارد بتوان چنین استنباط کرد که واژه مورد بحث در اوستا از جمله واژگان دو جنسی است که غلبه در آن با جنس مذکر است. این شواهد از این قرار است:

1. Ys. ۳, ۴: *hvvarštā maθrā āyese yēsti.*

«سخنان نیک ادا شده را می‌پرستم.»

2. Ys. ۴, ۱-۳: *hvvarštā maθrā pairica dadəmahī āca vaēdayāmahī.*

«سخنان نیک ادا شده را تقدیم می‌کنیم و نثار می‌کنیم.»

3. Ys. ۴۳, ۱۴: *uzirəidiiāi azd...maθ tāiš vīspāiš yōi.tōi maθrā marəṇ tī.*

«پس با همه آنان که سخنان ترا به یاد سپرند، برخیزم...»

هومباخ این واژه را رایی جمع مذکر می‌داند و چنین توضیح می‌دهد که صورت مورد انتظار، *maθrəng* است که در اینجا بر اثر فرایند ناهمگون‌سازی صورت مفروض *manθranh hmaθ*، واژه به صورت *maθrā* درآمده است. (هومباخ، ۱۹۹۱:

۱۴۴)

اما شایان ذکر است که این فرایند ناهمگون‌سازی را در شواهد دیگر نمی‌توان تشخیص داد.

4. Vr. ۱۹, ۲: *hvvarštā maθrā yazamaide.*

«سخنان نیک ادا شده را می‌پرستیم.»

5. Yt. ۱۰, ۲۰: *frəna ayanəṃ maθranəṃayā Vərzīieiti auui.miθriš.*

«علی‌رغم سخنان بدی که دشمن مهر اجرا می‌کند.»

در این مورد، واژه در حالت وابستگی جمع است؛ اما ضمیر موصولی مربوط به آن (*vā*) حالت رایی جمع خنثی را نشان می‌دهد. «*vā*» در اصل صورت مؤنث است؛ اما ضمائر جمع خنثی در اوستا، اغلب به صورت مؤنث صرف می‌شوند. (جکسون،

۱۸۹۲: §383)

کتابنامه

- Bartholomae, christian. 1961. *Altiranisches Worterbuch*.
Humbach, Helmut. 1991. *The Gāthās of Zarathushtra*. Part II.
Jackson, A.V. Williams. 1892. *An Avestan grammar in comparison with sanskrit*.
Monier-Williams. 1970. *A Sanskrit-English Dictionary*.
Whitney, William Dwight. 1973. *Sanskrit grammar*.

